

خود زندگینامه دوم و شعرهای برگزیده

از بزرگه‌ها ناشناخته‌ها

نزار قبانی • مترجمان: محمد جواد مهدوی، زهرا یزدان نژاد



www.ketab.ir

قبتانی، نزار، ۱۳۲۳-۱۹۹۸م	ISBN 978-600-405-184-2
سیرتہ الثانیہ الثانیہ من اوراق المجهولہ، فارسی - انا رجل واحد و انت قبیلہ من النساء فارسی۔ برگزیدہ - تنویحات نزاریہ علی مقام العش، فارسی، برگزیدہ از برگہ‌های ناشناخته‌ام، شعرهای برگزیدہ و خودزندگینامہ دوم نزار قبتانی / مترجمان: محمدجواد مهدوی، زهرا یزدان‌نژاد - تهران: نشر ثالث، ۱۳۹۶۔ ص ۱۶۲	شابک ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۵-۱۸۴-۲
شعرهای برگزیدہ و خودزندگینامہ دوم نزار قبتانی شعر عربی - قرن بیستم - ترجمه‌شده به فارسی - Arabic poetry - 20th century - Translations into Persian فارسی - قرن ۱۲ - ترجمه‌شده از عربی - Persian poetry - 20th century - Translations from Arabic شاعران عرب - قرن بیستم - سرگذشتنامه Poets, Arab- 20th century - Biography	
۸۹۲/۷۱۶	PJ ۴۸۸۸ / ب ۲ ی ۷



دفتر روزی: خیابان بامغان زند/ بین ایرانشهر و ماهشهر/ پ ۱۵۰/ طبقه چهارم

فرو: خیابان کریمخان زند/ بین ایرانشهر و ماهشهر/ پ ۱۴۸

توزیع: خیابان کریمخان زند/ بین ایرانشهر و ماهشهر/ پ ۱۵۰/ طبقه همکف

تلفن گویا: ۷-۸۸۲۲۵۳۲۷۶ - ۸۸۳۰۲۱۰۷ - ۸۸۳۱۰۵۰۰ - ۸۸۳۱۰۷۰۰ - ۸۸۸۶۱۶۶۶

• سایت اینترنتی، www.salepublication.com

• پست الکترونیکی، salesspub@gmail.com - info@salesspublication.com

■ از برگه‌های ناشناخته‌ام: شعرهای برگزیدہ و خودزندگینامہ دوم نزار قبتانی

● نزار قبتانی ● مترجمان: محمدجواد مهدوی (عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد) - زهرا یزدان‌نژاد

● ناشر: نشر ثالث

● مجموعه شعر ترجمه

● چاپ اول: ۱۳۹۶ / ۷۷۰ نسخه

● لیتوگرافی: ثالث ● چاپ: سازمان چاپ احمدی ● صحافی: مینو

● کلیه حقوق محفوظ و متعلق به نشر ثالث است

ISBN 978-600-405-184-2

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۵-۱۸۴-۲

فهرست

- سخن متر- مان ۷
- زاده شد تا شعر بسوزد ۱۳
- مقدمه داستان من و شعر ۱۷
- از برگه‌های ناشناخته‌ام / خودزندگینامه دوم ۲۳
- گاهشماری خودزندگینامه نثری قلمی ۱۰۵
- شعرهای برگزیده ۱۰۹
- شعر از انگشتانش می‌زاید ۱۱۱
- من مردی تنهایم... و تو قبیله‌ای از زنان ۱۱۷
- تو را دوست دارم در یوزگاری که نمی‌داند عشق چیست ۱۲۵
- دوستت دارم... و پراتز زه می‌بندم ۱۳۱
- هرگاه شعر عاشقانه تازه‌ای می‌سرایم، تو را سپاس می‌گویند! ۱۳۷
- عادت‌ها ۱۴۳
- عشق... بدون حد و مرز ۱۴۷
- آب‌ها ۱۵۵

سخن مترجمان

این مادرم در یک زمان حامله شدند... و نیز در یک زمان وضع حمل کردند. آیا ولادت من در فصلی که طبیعت در آن بر فراخ حوض می‌خیزد و درختان همه جامه‌های کهنه‌شان را از تن می‌فکنند نصادفی بود؟ یا آن‌که سرنوشت مرا چنین رقم زده بودند که مثلاً آنرا، ماه دگرگونی و تحول، باشم؟ آنچه می‌دانم این است که در روز تولدم، طبیعت به اجرای انقلاب خود بر ضد زمستان سرگرد به دور از مزرعه‌ها و گیاه‌ها و گل‌ها و گنجشک‌ها می‌خواست که امر را در این انقلاب در برابر روش یکنواخت زمین تأیید کنند.^۱

نزار قبانی در ۲۱ آذر (مارس) ۱۹۲۳ در دمشق به دنیا آمد. از حسن توفیق قبانی، فلسطینی‌الاصل و مادرش فائزه زنی دمشقی بود. توفیق قبانی در دمشق شیرینی‌پزی می‌کرد، اما به فعالیت‌های سیاسی علیه بیگانگان اشغالگر فرانسوی نیز می‌پرداخت. نزار فرزند دوم از چهار پسر و یک

۱. همه نقل قول‌ها از کتاب *داستان من و شعر نزار قبانی* با ترجمه دکتر غلامحسین یوسفی و دکتر یوسف بکار (۲۵۳۶، انتشارات توس) است.

دختر بود. برادران و خواهران او معتز، رشید، صباح، هیفاء و وصال نام داشتند. او خود می‌گوید خانواده‌اش از خانواده‌های متوسط دمشق بودند. مادر نزار قبانی بیش‌ترین تأثیر خانوادگی را در رفتار و سلوک و شخصیت او بر جای نهاده است. او در بیش‌تر سروده‌های خود از مادر یاد می‌کند و نمی‌تواند تأثیراتی را که از او پذیرفته است، فراموش کند. در واقع عشق و علاقه قبانی به مادر، در وجود او مهربانی و عطف‌ت را پرورش داد. دامن وطن هم، در میانسالی احساس وابستگی به خود را در وجودش به ارمغان آورد و این دو احساس، درخت تنومندی از شعر و حس بزرگی را در مولیت، پذیرایی را در وجود قبانی ایجاد کرد. بی‌جهت نیست ما صدای ناهای پیوسته او را در شعرش نسبت به مادرش و زادگاهش، دمشق، می‌بینیم. بعد از مادر تاتارگذارترین شخصیت در قبانی، عموی پدرش، ابوخلیل قبانی، بود. او همیشه نام‌های پارس ماهر را با ترجمه نمایشنامه‌های مولیر از زبان فرانسوی به عربی، بنیانگذار تئاتر در سوریه بود، اما در سوریه توجه چندانی به او نکردند و او مجبور به ترک سوریه به مقصد مصر شد و سنگ بنای تئاتر مصر را نهاد.

نزار در مدرسه «الکلیة العلمیة الوطنیة» (مدرسه علمی ملی) دمشق درس خواند و در هجده سالگی گواهی‌نامه اول رشته ادبی از مدرسه را گرفت. سپس در مدرسه «التجهیز» (مدرسه آمادگی) گواهی‌نامه دوم در رشته فلسفه را دریافت کرد. در این سال‌ها زبان فرانسوی را فرا گرفت، زیرا نظام تعلیم و تربیت سوریه برای زبان فرانسوی امتیاز خاصی قائل بود و به همین دلیل آن را زبان دوم قرار داده بود. او به مطالعه آثار راسین، مولیر، کرنی، موسه، وینی، هوگو، الکساندر دوما، بودلر، پل والری و آندره مورو به زبان فرانسوی پرداخت و سپس ادبیات عرب را به طور کامل مطالعه کرد. ذخیره شعری عالی که خلیل مردم بک، استاد

ادبیات او، در ذهنش به جای نهاده بود، سبب تعالی و زیبایی شعرش شد: «از نعمت‌های خداوند به من و نیز به شعرم آن بود که نخستین معلم ادبیاتی که نزد او شاگردی کردم، شاعری از لطیف‌طبع‌ترین و بهترین شاعران شام بود یعنی استاد خلیل مردم بک... به سبب این ذخیره شعری عالی که خلیل مردم بک در ذهنم به جا نهاد، به او مدیونم. اگر ذوق شعر، معجونی باشد از آنچه ما در کودکی‌مان می‌بینیم و می‌شنویم و می‌خوانیم، خلیل مردم در کاشتن گلبن شعر در وجود من و نیز در آماده کردن خمیره‌هایی که سلول‌ها و بافت‌های شعری مرا تکوین بخشید، حق بزرگی دارد... به علاوه، باید مطالعات خود را در ادبیات لبنان در دهه چهارم قرن بیستم نیز، این تأثیرات نخستین بیفزایم.»

در شانزده سالگی نخستین تجربه شاعری او روی داد؛ هنگامی که در سال ۱۹۳۹ در کشتی «استان» در بیروت عازم ایتالیا بود، اما نخستین مجموعه شعری‌اش یعنی «التی الی الامراء» (زن گندمگون به من گفت) در سال ۱۹۴۴ منتشر شد. مجموعه شعر دوم او پیرامون زن و وصف اندام او و تغزل برای زن، در سال ۱۹۴۸ در قاهره منتشر شد.

در خلال سال‌های جنگ جهانی دوم حملات متوسطه و عالی خود را به پایان رسانید و در سال ۱۹۴۵^۱ از دانش‌آزمایه سوریه لیسانس حقوق گرفت. انتخاب این رشته از روی میل قلبی نباشد، بلکه به گفته خودش می‌خواست کلیدی عملی برای آینده‌اش باشد: «کتابخانه قوانین رومی و بین‌المللی و اقتصاد سیاسی، مانند دیوارهایی از سرب بر سینه‌ام قرار داشت. مواد قانون را مثل کسی که از ناگزیری قرصی را می‌بلعد،

۱. در گاهشماری خودزندگی‌نامه قبانی که در پایان کتاب حاضر آمده، سال فراغت از تحصیل او ۱۹۴۴ ذکر شده اما سال ۱۹۴۵ بر اساس گفته خود او در کتاب «داستان من و شعر» درست‌تر به نظر می‌رسد.

حفظ می‌کردم. آنچه می‌خواندم مرا جذب نمی‌کرد. در خلال دروس، نخستین اشعارم را بر حاشیه کتاب‌های قانون با مداد می‌نوشتم. مثلاً شعر مشهورم، 'نهداک' را بر حاشیه کتاب شریعت نوشتم، و وقتی در پایان سال این درس را امتحان دادم، نمره من از بدترین نمرات بود. او هرگز وکالت نکرد بلکه شغل رسمی او نمایندگی دیپلماتیک سوریه در کشورهای مختلف بود: «به وکالت دادگستری اشتغال نجستم، حتا در یک مرافعه قانونی نیز وارد نشدم. تنها قضیه‌ای که در آن شرکت کرده‌ام و هنوز هر ادعا دارد، موضوع زیبایی است و تنها بی‌گناهی که از او دفاع کرده‌ام، شعر است.»

در همان سال‌ها با ربی، عشقی از آل بیهم ازدواج کرد که حاصل این ازدواج، دو فرزند به نام‌های توفیق و هدباء بود. در سال ۱۹۴۵ در بیست‌ودو سالگی به عنوان وکیل وزارت سوریه در قاهره منصوب شد. او تا سال ۱۹۶۶ در شهرها و کشورهای مختلف زندگی کرد. نزار خود سه چهارم اشعارش را مدیون سفرهایش به لبنان و به این ترتیب اشعار او نشان از تجربیات فراوان سال‌های دور از خانه و کاشانه دارد. در سال ۱۹۶۶ از کارهای دیپلماتیک کناره‌گیری کرد و برای نزدیک شدن به کانون فعالیت‌های فرهنگی، لبنان را به عنوان محل اقامت برگزید. او در این دفتر که در بیروت قرار داشت، به چاپ و نشر آثار شعری‌اش پرداخت. در این سال‌ها بود که از زن سوری خود جدا شد و در سال ۱۹۷۰ با بلقیس الراوی، که زنی عراقی و آموزگار عربی بود، ازدواج کرد. «بلقیس» که محبوبه اکثر شعرهای عاشقانه اوست، در حادثه بمب‌گذاری سفارت سوریه در بیروت در سال ۱۹۸۱ کشته شد. زینب و عمر فرزندان حاصل از ازدواج دوم اویند. پس از درگرفتن جنگ‌های داخلی در لبنان

و مرگ بلقیس، راهی سوئیس شد و پس از آن مدتی در فرانسه ماند. سرانجام به لندن رفت و تا آخر عمر در همان جا ماندگار شد.

او در ۳۰ آوریل ۱۹۹۸ در لندن از دنیا رفت. جنازه او به دستور رئیس‌جمهوری وقت سوریه با احترام نظامی و تشریفات رسمی بر دوش هزاران نفر از دوستان و شرعیان تشییع، و بنا به وصیت او، در آرامگاه خانوادگی اش در دمشق به خاک سپرده شد؛ آن‌چنانکه آرزوی او بود: مشق به مثابه رحمی بود که به من شعر آموخت، نوآوری آموخت، از بی با گل زیستن را آموخت. پس باید پرنده به خانه خود و کودک به سینه مادرش باز گردد».

کتاب حاضر در دو قسمت تشکیل شده است. قسمت اول ترجمه خودزندگی‌نامه دوم نزار قبانی است که با عنوان *سیرته الذاتیه الثانیه: من اوراقی المجهوله* به کوشش ه. بقاء، کمتر نزار قبانی، در سال ۲۰۰۰ چاپ شده است. این کتاب در واقع ادامه زندگی‌نامه اول اوست با عنوان قصتی *مع الشعر* که در فارسی با عنوان *داستان من و شعر* منتشر شده است. قبانی در خودزندگی‌نامه دومش به بی‌شکوه‌هایی می‌پردازد که در خودزندگی‌نامه اول ناگفته مانده، مانند آن که چگونه شعرهایش به صورت ترانه خوانده شد یا در آن کتاب به اجبار مطرح شده است، مانند این که چه شد که با دنیای دیپلماسی خداحافظی کرد... علاقه‌مندان نزار قبانی در این کتاب بسیاری مطالب خواندنی خواهند یافت.

قسمت دوم گزیده‌ای است از برخی اشعار عاشقانه قبانی. این اشعار از دو مجموعه شعر *انا رجل واحد وانت قبيلة من النساء* (بیروت: منشورات نزار قبانی، الطبعة الرابعة، ۲۰۰۰) و *تنویعات نزاریه علی مقام العشق* (بیروت: منشورات نزار قبانی، الطبعة الثالثة، ۲۰۰۰) انتخاب

شده‌اند. در هنگام انتخاب این اشعار، تلاش مترجمان این بوده که شعرهایی را برگزینند که قبلاً به فارسی ترجمه نشده باشند و امیدوارند در این کار موفق بوده باشند.

محمدجواد مهدوی | زهرا یزدان‌نژاد

www.ketab.ir